

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۴/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۵/۲۸

(صفحه ۱۸۹-۲۰۴)

بررسی آثار فارسی درباره تأثیر زبان و ادب فارسی بر آثار ادبی قاضی نذراالاسلام

دکتر فرهاد درودگریبان*

چکیده

قاضی نذراالاسلام، شاعر ملی بنگلادش، نه تنها در انواع گوناگون ادبی مانند شعر، داستان، نمایشنامه، روزنامه‌نویسی، مقاله، ترجمه و داستان‌سرایی در تاریخ ادبیات شبه‌قاره جایگاهی خاص دارد، بلکه نقش او به ترغیب و تشویق مردم آن سامان علیه استعمارگران کمپانی هند شرقی نیز سخت قابل توجه است. در این مقاله، با توجه به آثار پژوهندگان ایرانی و بنگالی، به تأثیر اندیشه و آثار متفکران و ادیبان مسلمان ایرانی، بر اندیشه قاضی نذراالاسلام، که در شالوده فرهنگی و ادبی بنگاله نقش اساسی داشت، می‌پردازیم.

کلیدواژه‌ها: قاضی نذراالاسلام، نقد و بررسی، تأثیر زبان و ادبیات فارسی.

* دانشیار دانشگاه پیام نور

۱. مقدمه

فارسی بیش از ۶۰۰ سال (۱۲۰۴-۱۸۳۷م) زبان رسمی دولت بنگال بود و حتی به نظر برخی محققان: «سرزمین بنگال شرقی که بنگلادش کنونی از لحاظ جغرافیایی در آن واقع است اولین قسمت از شبه‌قارهٔ هند بود»، که «فراگیری زبان فارسی» را آغاز کرد (ابوالبشر ۱، ص ۷۷).

به نظر بلومفیلد (زبان‌شناس برجستهٔ آمریکایی): «ادبیات خواه درگفته خواه آن‌چنان که مرسوم است در نوشته ظاهر گردد، سخن زیبا یا شاخص یا توجه‌برانگیز است. حسن این تعریف آن است که به گسترهٔ مصادیق اثر ادبی وسعت فوق‌العاده می‌بخشد و هر سخنی را در برمی‌گیرد که در پرتو خواص زبان‌شناختی و جلوه خود ارزش دیگری می‌یابد و این شبستگی را کسب می‌کند که حفظ و تکرار و شرح و تفسیر شود» (به نقل از سمیعی گیلانی، ص ۵۷۹).

بنابر این تعریف از ادبیات، آثار قاضی نذراالاسلام، شاعر ملی بنگلادش، شامل بسیاری از اشعار، سرودها، ترانه‌ها، نمایشنامه‌ها، ترجمه‌ها، نامه‌ها و حتی اعلامیه‌های اوست و حاصل آشنایی و تأثیرپذیری او از اشعار شاعرانی چون فردوسی، خیام، سعدی، مولوی و حافظ. دربارهٔ قاضی نذراالاسلام به زبان بنگالی کتاب‌ها و مقالات بسیاری نوشته شده، اما در زبان فارسی، کتاب و مقاله دربارهٔ آثار و اندیشه‌های او بسیار اندک و محدود است. در این مقاله، با روش تحلیل و توصیف و با استناد به تحقیقات موجود پژوهشگران ایرانی و بنگالی، کتاب‌ها و مقالات موجود دربارهٔ قاضی نذراالاسلام و آثار و اندیشه‌های او بررسی خواهد شد.

۲. زندگی و آثار قاضی نذراالاسلام

او در ۲۵ ماه می سال ۱۸۹۹ میلادی در روستای چورولیبای شهرستان بردومان از توابع استان بنگال غربی هندوستان فعلی متولد شد.

وی در مدت سه ماه، نزد عالمی دینی، زبان فارسی را به خوبی فرا گرفت و در زمان کوتاهی اکثر آثار مشهور شاعران فارسی‌گوی ایران را به‌طور کامل خواند. در حقیقت نبوغ و زندگی شعری و ادبی قاضی نذراالاسلام هنگام انجام وظیفهٔ نظامی در کراچی شکوفا شد. در همان اوقات وی اشعار و مقالات و داستان‌های جذاب خود را برای مجلات مسلم بارت و سوغات ارسال می‌کرد (مهدی، ص ۲۴).

نذراالاسلام شاعر بنگالی، به سبب مبارزه علیه سیاست استعمار، به‌عنوان شاعر بیدارکننده ملت و مبارزی سلحشور معروف شد. شعر معروف او بیدروهی، یعنی شورش‌گر، علاوه بر همه حماسه‌آفرینی‌ها، شخصیت وجودی و اصالت انسانی را به درجه‌ای عالی رساند، شور عجیبی در محافل ادبی، مذهبی و اجتماعی بر پا کرد و پس از انتشار این شعر بود که وی به‌عنوان شاعر شورش‌گر شهرت یافت (عارفین، ص ۵۸). به نظر برخی از محققان، وی از طریق هفته‌نامه ستاره دنباله‌دار نه فقط درفش استقلال و آزادی هندوستان را برافراشت و راه‌های مبارزه علیه استعمارگران را به مردم نشان داد، بلکه این روزنامه به تدریج ارگان مبارزه مسلحانه علیه منافع انگلیس و دفتر روزنامه مرکز تجمع انقلابیون گردید (شاهدی، ص ۳۹).

گرچه قاضی نذراالاسلام ۷۷ سال زندگی کرد، اما دوره فعالیت ادبی وی بیشتر از ۲۲ سال طول نکشید؛ بدین سبب که حوادث جانسوز مرگ دو پسرش، به‌ویژه پسر دوم بلبل، ابتلای همسرش پرومیلا به مرض فلج در سال ۱۹۳۹ میلادی و خرج سرمایه‌های بسیار برای درمان وی، یکی پس از دیگری، او را از پای انداخت. چنان‌که خود در شعری که برای صفحه شکوفه‌های روزنامه آزاد در ۷ اوت ۱۹۴۰ میلادی سرود به این حقیقت اشاره کرد:

ما گلی شکفته‌ایم شما هنوز شکوفه‌اید بیایید در مجلس گل‌ها، پیش از پژمرده شدن
بخندیم، با شما همنشین شده ایم و سپس رخت بر خواهیم بست، ما گل‌هایی هستیم که پروانه‌ها آن
را خورده‌اند، اما آرزو داشتیم این دنیا را بیاراییم همچون فردوس برین، آرزوهای مانده ما را شما
جوانان برآوردید و بهشت را به محفل دنیا بیاورید (به نقل از همو، ص ۵۷).

بر اثر این همه رنج و غم، قاضی نذراالاسلام در سال ۱۹۴۲ میلادی دچار سکنه مغزی شد و از آن پس، به رغم کوشش‌های مستمر برای درمان وی، تا پایان عمر دچار اختلال حواس بود؛ چندان‌که نمی‌توانست با کسی سخن بگوید یا چیزی بنویسد. و این وضعیت تا پایان زندگی وی ادامه داشت. او را در ۲۳ ماه مه ۱۹۷۲ میلادی به خواست و دعوت دولت بنگلادش، به بنگلادش آوردند و در ژانویه ۱۹۷۶ میلادی دولت، به وی تابعیت بنگلادش و خطاب «شاعر ملی بنگلادش» عطا کرد. سرانجام این شاعر بی‌مثال ادبیات بنگلادش در ۲۹ اوت ۱۹۷۶ میلادی در بیمارستان «پی جی» داکا بدرود حیات گفت. رئیس‌جمهور و صدها هزار مردم از همه اقشار در نماز جنازه این شاعر شرکت کردند

(مهدی، ص ۲۹) و پیکرش در کنار مسجد دانشگاه داکا به خاک سپرده شد و اینک مزار او، زیارتگاه اهل ادب و عشق است.

۱-۲. زندگی‌نامه ادبی قاضی نذراالاسلام

قاضی نذراالاسلام، افزون بر شاعری، نویسنده، روزنامه‌نگار، خواننده، نوازنده، داستان‌سرا، نمایشنامه‌نویس، هنرپیشه و بازیگر بود. او علاوه بر زبان‌های بنگلا و انگلیسی، با زبان‌های عربی، فارسی، اردو، هندی و سانسکریت آشنایی داشت و به همین سبب، در اشعار او، همچنان‌که اثری از شاعران غربی دیده می‌شود، تأثیر عمیق مولوی، حافظ، عمر خیام و اقبال لاهوری نیز کاملاً مشهود است. قاضی نذراالاسلام با ترجمه بسیاری از غزلیات و رباعیات حافظ و رباعیات خیام به زبان بنگلا، این زبان را غنی‌تر کرد. بسیاری از اشعار او در اوزان عربی و فارسی است و بسیاری از سروده‌های او براساس آهنگ فارسی و ترکی سروده شده است (شاهدی، ص ۳۹).

از قاضی نذراالاسلام ۵۶ اثر ادبی در قالب مجموعه سرود و یا مجموعه شعرهای انقلابی، داستان، مجموعه نمایشنامه و کتاب‌های درسی ادبی برای مدرسه باقی مانده است. از او، همچنین ده‌ها داستان، مقاله، نامه و سخنرانی در روزنامه‌ها و مجلات چاپ شده که هنوز در قالب کتاب به چاپ نرسیده است. اکنون به پاره‌ای از آثار او، اشاره می‌شود:

۱. اوگنی بینا (نی آتش) ۱۹۲۲ {اولین کتاب شعر نذراالاسلام}
۲. دولون چاپا (مجموعه سرود) ۱۹۲۳
۳. بیش ار بشی (نی زهر)، ۱۹۲۴ (این کتاب به سبب جلوگیری دولت انگلیس، تا سال ۱۹۴۵ اجازه چاپ نیافت).
۴. بهاگرگان (سرود شکستن)، ۱۹۲۴، چاپ دوم ۱۹۴۹ م (دولت انتشار این کتاب را تاکنون ممنوع اعلام کرده است).
۵. راج بندیر جابن بندی (اقرار زندان سیاسی)، ۱۹۲۳ م (شاعر این مقاله تاریخی را در زندان نوشت).
۶. پرولوی شیخا (مجموعه شعر)، ۱۹۳۰ م (دولت بریتانیا این کتاب را مصادره و شاعر به اتهام شورش علیه دولت دستگیر شد).

۷. رباعیات حافظ (ترجمه)، ۱۹۳۱ م.
۸. چندرو بیندو (مجموعه سرود)، ۱۹۳۱ م (دولت وقت، انتشار این کتاب را نیز ممنوع کرده بود).
۹. کبی امپره (ترجمه جزء سی ام قرآن به شعر) ۱۹۳۳ م.
۱۰. میرتو کهودا (مجموعه داستان)، که به صورت سلسله در روزنامه شوگات از سال ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۰ م منتشر شد و در همان سال به صورت کتاب درآمد.
۱۱. زیلمیلی (مجموعه نمایشنامه) ۱۹۲۸ م.
۱۲. مکتب شهیتو (کتاب ادبیات برای مدرسه) ۱۹۳۵ م.
۱۳. رباعیات عمر خیام (ترجمه ۱۹۷ رباعی از عمر خیام) ۱۹۵۹ م.

۳. بررسی و نقد آثار فارسی درباره قاضی نذرالاسلام

- با توجه به ابعاد سبکی (پدیده‌های فرامتنی، درون‌متنی و جهان‌نگری)، آثار فارسی درباره قاضی نذرالاسلام به شرح زیر بررسی می‌گردد:
۱. آثاری که بر سازه‌های برون‌متنی، شرایط اجتماعی، فرهنگی و تاریخی از دیدگاه تأثیرگذاری زبان و ادب فارسی بر شاعر دلالت دارند.
 ۲. آثاری که پدیده‌های درون‌متنی (ادبی، زبانی و بلاغی) نوشته‌های شاعر را بازتاب می‌دهند.
 ۳. آثاری که بر سطح اندیشگی (انگاره‌ای = Ideational) و جهان‌بینی شاعر تکیه کرده‌اند.

- ۱-۳. آثاری که بر سازه‌های برون‌متنی، شرایط اجتماعی، فرهنگی و تاریخی از دیدگاه تأثیرگذاری زبان و ادب فارسی بر شاعر دلالت دارند:
- ۱-۱-۳. کتاب *گزیده احوال و آثار قاضی نذرالاسلام (شاعر ملی بنگلادش)*، دکتر محمد عیسی شاهی، ۱۳۷۴.

این کتاب به‌عنوان نخستین اثر فارسی درباره قاضی نذرالاسلام از حیث تاریخی مقدم بر آثار دیگر است. دکتر محمد عیسی شاهی، شاعر، نویسنده، مترجم، عالم روحانی و دارای مدرک دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه داکا، که سال‌ها در ایران و

بنگلادش به ترجمه و تألیف آثار ادبی به بنگالی و فارسی اشتغال داشته است، با روحی شاعرانه و دقت پژوهشی به شرح احوال و زندگی قاضی نذرالاسلام، مبارزات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی او پرداخته و اشعار وی را در ستایش پروردگار، نعت رسول اکرم^(ص) و سوگواری سالار شهیدان و منقبت اهل بیت^(ع) ترجمه کرده است.

مؤلف، ضمن پرداختن به شرح زندگی خانوادگی، شرایط تاریخی و اجتماعی شاعر و چگونگی رشد و تکوین شخصیت او، بر جنبه مبارزه در زندگی وی، بر عناوینی چون شورشگر و انقلابی تکیه کرده است. در نیمه دوم کتاب، ترجمه بیست شعر از قاضی نذرالاسلام با عناوینی چون «خروش صبحگاهی»، «شاعر عشق»، «تصویر کعبه» آمده و به برخی کلمات فارسی و عربی آن اشاره شده است.

۳-۱-۲. قاضی نذرالاسلام: نفوذ شعر و ادب پارسی در بنگلادش، شهناز عارفین. ۱۳۹۱.
مؤلف این کتاب، خانم شهناز عارفین سال‌ها در تهران سکونت داشت و این کتاب را براساس پایان‌نامه کارشناسی ارشد خویش در رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه علامه طباطبایی^(۵) تألیف کرد. مؤلف نخست به وضعیت زبان و ادبیات فارسی در بنگلادش و تأثیر آن بر اسامی، موسیقی، شعر، معماری، نقاشی، خطاطی و نگارگری پرداخته و سپس با اشاره به وضعیت زبان و ادبیات فارسی در عصر قاضی نذرالاسلام، به شرح زندگی، احوال، آثار و اوضاع اجتماعی و سیاسی زمان حیات شاعر توجه کرده است. در بخشی دیگر نیز، مقولاتی چون واژگان فارسی و عربی، مفردات و ترکیبات فارسی و عربی، واژگان اسلامی چون محرم و ادبیات عاشورا مطرح شده است. سرانجام، به صورت اجمالی به بررسی تأثیر حافظ و خیام بر قاضی نذرالاسلام و ترجمه آثار ادبی آنها پرداخته است. از امتیازات این کتاب، استفاده کامل‌تر از منابع فارسی، بنگالی و لاتین است و فهرستی از کلیه آثار قاضی نذرالاسلام براساس تاریخ انتشار، فهرست اعلام و ترجمه اشعاری جدید از شاعر به نام‌های «بنده گنهکار»، «راه کعبه»، «صدای دلنشین اذان» و «کنار مسجد مرا دفن کنید» آمده است.

از کاستی‌های این اثر، استفاده کامل از بخش شرح و احوال و زندگانی شاعر از کتاب دکتر عیسی شاهی و درج ترجمه اشعار، بدون متن بنگالی است. همچنین به دیگر

مقالات پژوهشی استادان فارسی‌بنگلادش توجه نشده و در مجموع این مسائل، به کتاب بیشتر صبغه گزارشی و نقل به مضامین از نویسندگان پیشین داده است.

۳-۱-۳. *زبان و ادبیات فارسی در بنگلادش (مجموعه مقالات ادبی و تحقیقی)*، دکتر کلثوم ابوالبشر. ۱۳۹۳.

پروفسور کلثوم ابوالبشر، با لقب مادر زبان فارسی در بنگلادش، اولین استاد زبان فارسی دانشگاه داکا، در دو مقاله این کتاب، «محرم و عاشوره در ادبیات بنگالی» و «ترجمه و تصحیح متون فارسی به زبان بنگالی (قرن نوزدهم تا بیستم میلادی)» به قاضی نذرالاسلام اشاره کرده است:

الف) در مقاله «محرم و عاشوره در ادبیات بنگالی» آمده است: «از اوایل قرن بیستم میلادی نویسندگان بنگالی منظومه‌ها و مقاله‌هایی درباره محرم و کربلا و عاشوره نوشته‌اند که دفتر شعر و ادبیات بنگالی را رونق بخشیده است. از جمله آنها نذرالاسلام است. شاعر ملی و انقلابی که فتنه‌ها و ظلم و استبداد را دوست نداشت. سرودهای دردانگیز وی تنها گله و شکوه نبوده بلکه مقصد و هدف آنها برانگیختن جذبات و احساسات مردم بوده است. نمونه‌های بسیاری در شعرش می‌توان یافت که رقت‌انگیز و صادقانه از دل برآمده است. در آغاز منظومه «محرم» چنین می‌سراید:

دوباره هلال محرم برای گریاندن مردم جهان می‌آید
آه و فغان یا حسین یا حسین همه جاشنیده می‌شود...

نذرالاسلام کلمات فارسی را به طرز زیبایی به زبان بنگالی به کار برده است که روانی کلام را به اوج کمال می‌رساند:

آسمان سرخ و سیاه به رنگ قرمز مبدل گشت
ای مادر پسرت به خون درغلطیده است...

ب) در مقاله دیگر «ترجمه و تصحیح متون فارسی به زبان بنگالی (قرن نوزدهم تا بیستم میلادی)» آمده است: «از قرن سیزدهم تا هجدهم میلادی زبان فارسی بر زبان بنگالی بسیار نفوذ کرد و بین هندوان و مسلمانان رابطه اجتماعی و فرهنگی پدیدار شد و بسیاری از متون اسلامی و ادبی فارسی به بنگالی ترجمه شد و از اواسط قرن نوزدهم تاکنون تقریباً سیصد کتاب از فارسی به بنگالی ترجمه شده است که از آن جمله است:

۱. کتاب «ترجمه رباعیات حافظ (هفتاد و سه رباعی) توسط قاضی نذرالاسلام»، غلامدارمجمودار، ناشر: کلکته.

۲. کتاب «ترجمه رباعیات عمرخیام قاضی نذراالاسلام» با همکاری خالد چودری، ناشر: ایسترن بک سینترکلکته؛ پیشگفتار: سیدمجتبی علی؛ چاپخانه بلوپرتتر؛ دسامبر ۱۹۵۹ میلادی (در ۱۹۵ صفحه).
۳. کتاب «نذراالاسلام ایر کابوو عربی فارسی شیدو» (لغات فارسی و عربی در اشعار قاضی نذراالاسلام)، تألیف عبدالستار؛ ناشر: بنیاد اسلامی؛ سال ۱۹۹۲ میلادی.

۳-۲. آثاری که پدیده‌های درون‌متنی (ادبی، زبانی و بلاغی) آثار شاعر را بازتاب می‌دهند: ۳-۲-۱. مقاله «نذراالاسلام»، حسین برزگر کشتلی، ۱۳۷۵.

مؤلف در این مقاله، ابتدا به معرفی و شرح حال زندگی نذراالاسلام پرداخته و او را یکی از بزرگترین شاعران بنگالی و بعد از تاگور بزرگترین نابغه در شعر و ادبیات بنگالی دانسته و سرانجام نتیجه گرفته است: نذراالاسلام «صاحب نبوغی سرکش و سرشار از شوق و زندگی پویا بود. شعر معترض او در برابر بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌های اجتماعی جنبشی پدید آورد و با تلاش ضد اصول محافظه‌کارانه و تجلیل از اسلام تاریخی و معاصر حوزه وسیعی را در بر گرفته است. او قالب فارسی غزل را زبان بنگالی متداول کرد و این زبان را با انبوهی از واژگان فارسی، عربی و اردو با توصیفات شاعرانه غنا بخشید. نذراالاسلام بانی تحولاتی در ادبیات بنگالی شد و به جای قهرمانان قدیم و افسانه‌های هند قهرمانان مسلمان را وارد صحنه ادبیات کرد و به جای لغات سانسکریت کلمات فارسی و عربی به کار برد و در مدح قهرمانان عرب، ایران و ترکیه شعرها سرود. آثار و نوشته‌های او بسیار زیاد است چنان‌که او همواره یا می‌نوشت یا با شوق مشغول تعلیم دیگران بود» (ص ۲۵۳۲).

۳-۲-۲. «حافظ شیرازی و قاضی نذراالاسلام بنگالی»، دکتر محمد کاظم کهدویی، ۱۳۷۶.
در این مقاله، مؤلف شرحی کوتاه از زندگی شاعر به دست داده و سپس به اختصار، به ویژگی‌های درون‌متنی ترجمه قاضی از شعر حافظ پرداخته و نوشته است که قاضی کوشیده تا صورت منظوم ابیات حافظ را در ترجمه حفظ کند و با لطافت‌های ذوقی ادبی و بیانی شیوا، روحی تازه در کالبد خواننده پدید آورد. همچنین نذراالاسلام در مقدمه شش صفحه‌ای خود بر ترجمه دیوان حافظ به بعضی از افسانه‌ها و داستان‌های درباره زندگی حافظ اشاره کرده، که نشان‌دهنده مطالعات عمیق او درباره حافظ است. به نوشته مؤلف، هرچند شمار الفاظ فارسی و اسلامی در زبان بنگالی چشمگیر است، اما غنای اشعار نذراالاسلام، مرهون آشنایی او با اشعار است.

۳-۲-۳. «بررسی کلمات فارسی و عربی در شعر نذرالاسلام از دیدگاه زبان‌شناسی»، دکتر شمیم بانو، ۱۳۸۵.

دکتر شمیم بانو، استاد تمام زبان فارسی در مؤسسه زبان‌های نوین دانشگاه داکا، در این مقاله نخست به تعریف صنایع و بدایع لفظی و معنوی شعر فارسی و انواع آن از جمله تجنیس، تضاد، استعاره، تلمیح، ایهام پرداخته و سپس کاربرد این قبیل صنایع ادبی را در اشعار قاضی نذرالاسلام بررسی کرده است. مؤلف، نذرالاسلام را بنیان‌گذار غزل در شعر بنگالی دانسته و اینکه او، از غزل فارسی هم در قالب اوزان شعر فارسی و هم از واژگان فارسی و اندیشه‌های اسلامی و ایرانی مایه گرفته است. سپس با ذکر نمونه‌ای از شعر «ذوالفقار» نذرالاسلام، از تأسی او از شعر و مضامین عرفانی حافظ و مولوی سخن به میان می‌آورد و سرانجام به این نتیجه می‌رسد که نذرالاسلام بر زبان و ادب فارسی به‌ویژه ادب عرفانی فارسی و شگردها و بن‌مایه‌های زبان شعر عرفانی تسلط خاصی داشت.

۳-۲-۴. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، «نعت رسول (ص) در نغمات اسلامی قاضی نذرالاسلام»، مهدی حسن، ۱۳۸۸.

مهدی حسن، عضو علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا، در این اثر به سرودهای قاضی نذرالاسلام در نعت پیامبر اکرم (ص) پرداخته و نخست شرحی از زندگی قاضی نذرالاسلام به دست داده است، آنگاه ۸۹ شعر از سرودهای شاعر را در نعت پیامبر انتخاب کرده و به تحلیل آنها پرداخته است. می‌دانیم که پیشینه نعت پیامبر (ص) در آثار شاعران فارسی سابقه‌ای کهن دارد و قاضی نذرالاسلام به این موضوع توجه داشته است. اغلب این نعت‌ها، هنوز هم در جامعه بنگلادش محبوب و مشهور است و در بسیاری از قوالی‌ها هنوز این نعت‌ها خوانده می‌شود. رویکرد مؤلف در این اثر، مبتنی بر تحلیل محتواست و مفاهیم شعری را برای مخاطب توضیح داده است. تحلیل‌های او به‌صورت توضیح بلاغت شعری نعت‌ها نیست، بلکه ابیات هر نعت را به فارسی ترجمه و سپس مفاهیم مورد نظر شاعر را در آن ابیات شرح کرده است. این پایان‌نامه به زبان فارسی نوشته شده است و مؤلف کوشیده تا بسیاری از اشعار قاضی را به زبان فارسی برگرداند.

۳-۲-۵. مقاله «ترجمه رباعیات عمر خیام و قاضی نذراالاسلام»، دکتر شمیم بانو، ۱۳۹۱.
مؤلف در این مقاله از دریچه جدیدی به نذراالاسلام نگریسته و او را به‌عنوان مترجمی زبان‌شناس با دایره‌ای از لغات و ترکیبات و اصطلاحات فارسی به‌ویژه از آراء فلسفی و زیبایی‌شناسی عمر خیام نیشابوری معرفی کرده است. نذراالاسلام رباعیات خیام را با توجه به ترجمه انگلیسی فیتز جرالد و با آشنایی خود با زبان و ادب فارسی و با مقایسه سایر ترجمه‌های ادبای بنگالی زبان، از روی اصل رباعیات خیام ترجمه کرد. او به اصول ترجمه علمی و اصیل، شامل رعایت مضمون و محتوا، کاربرد صنایع بلاغی متناسب با اصل رباعیات، آوردن ضرب‌المثل‌های مشابه و هم‌معنی در مقابل ضرب‌المثل‌های فارسی، رعایت و انعکاس مضامین و اندیشه‌های فلسفی و فکری خیام، قالب رباعی و التزام قافیه و انتخاب و تنظیم از معتبرترین و اصیل‌ترین نسخ خطی یا چاپی رباعیات، به علمی‌ترین و دقیق‌ترین وجه ممکن وفادار مانده است. نذراالاسلام رباعیات خیام را به شش بخش تقسیم کرد: ۱. شکوی، ۲. هجویات، ۳. فراق، ۴. بهاریه، ۵. کفریات، ۶. مناجات.

۳-۲-۶. «عشق به اهل بیت (ع) در نغمات قاضی نذراالاسلام، نویسنده و شاعر بنگالی»، دکتر محمد شاهرخ بیگی و مهدی حسن، ۱۳۹۳.
این مقاله، صرفاً گزینش و ارائه ترجمه جدیدی از ۱۵ سروده قاضی نذراالاسلام در منقبت حضرت رسول اکرم (ص)، حضرت علی (ع)، اهل بیت (ع) و محرم و واقعه کربلاست؛ برخی از این اشعار، تاکنون ترجمه نشده بود. زبان و قالب این ترجمه‌ها و سایر ابیات پراکنده موجود در مقاله آمیزه‌ای است از واژگان و عبارات ادیبانه و عامیانه زبان فارسی. مؤلفان به ویژگی‌های ادبی و بلاغی اشعار نپرداخته‌اند و فقط به احساس، عشق و ارادت شاعر به اسلام و اهل بیت (ع) توجه کرده‌اند.

۳-۳. آثاری که بر سطح اندیشگی (انگاره‌ای = Ideational) و جهان‌بینی شاعر تکیه کرده‌اند: ۳-۱-۳. «جایگاه زبان و ادبیات فارسی در بنگلادش و راه‌های ارتقای آن»، دکتر محمود فتوحی، ۱۳۸۵.

این مقاله گزارشی است از کنفرانس بین‌المللی زبان و ادبیات فارسی در بنگلادش در

داکا، از سخنرانی‌ها، نشست‌ها و گفت‌وگوهای درباره چهار قلمرو زبان و ادبیات فارسی در میراث دینی، تاریخی، ادبی و عرفانی.

مؤلف از جمله در گزارش خود نوشته است: «تأثیر ادبیات فارسی بر اشعار بنگالی از موضوعات تکراری کنفرانس بود و بر وجود واژگان فارسی در زبان بنگالی و به‌ویژه اشعار قاضی نذراالاسلام بیش از هر چیز تأکید می‌شد. اما اشاره به مشابهت مفهوم «رند» حافظ با «سیاه جسور» نذراالاسلام برای من تازه بود و اینکه هر دو شاعر نانوا بوده‌اند. بنگالی‌ها شاعر ملی خود، قاضی نذراالاسلام را می‌پرستند، حس پرستش را در ستایش شورانگیز سخنرانی‌ها می‌دیدم آنکه که شعری از وی خوانده می‌شد، حاضران هم‌صدا با گوینده شعر را بلند تکرار می‌کردند. رایبندانات تاگور، شاعر جهانی با اینکه اهل بنگاله بود، چون به زبان بنگالی شعر نسروود، موقعیت قاضی نذراالاسلام را در بنگلادش نیافت.»

وی در جای دیگری نوشته است: «در نشست با مردان قلم در بنگال در رایزنی فرهنگی، ایشان متفق‌القول بودند که ادبیات معاصر به معنای ادبیات مدرن از زمان تاگور و نذراالاسلام شروع شده است. ویژگی‌هایی همچون زبان ساده مردمی، مضامین انقلابی، مسئله زنان، اتحاد اسلامی و افکار سوسیالیستی است که شعر نذراالاسلام را مدرن و شاعر جهانی کرده است.»

۳-۲-۲. «تأثیر زبان و ادب فارسی بر شاعر ملی بنگلادش»، سید مهدی حسینی اسفیدواجانی، ۱۳۸۶.

مؤلف در این مقاله به این موضوعات پرداخته است: زندگی و آثار قاضی نذراالاسلام، فعالیت‌های سیاسی و ادبی وی، زبان و ادب فارسی در سرزمین بنگال در عصر تسلط انگلیس بر شبه‌قاره هند، قاضی نذراالاسلام و حافظ، تسلط وی بر زبان فارسی و عربی و ترجمه «عم جزء قرآن» به شعر بنگالی، قاضی نذراالاسلام و خیام، ترجمه ۲۰۰ رباعی خیام به زبان بنگالی، جایگاه غزل در اشعار قاضی نذراالاسلام و واژگان فارسی در آثار وی. نکته قابل توجه در این مقاله، نگاه خاص مؤلف به غزل، تعاریف و کاربردهای آن، رباعی، مثنوی و مرثیه در شعر بنگالی، نقش غزل در موسیقی هند و تلفیق آن با غزل عاشقانه و عارفانه فارسی است. به نظر وی، نذراالاسلام در آغاز به سرودهای حماسی و قهرمانی توجه داشت، اما پس از تولد فرزندش «بلبل»، به غزل روی آورد و بدین ترتیب تحول نوینی در موسیقی بنگالی پدید آمد.

۳-۳-۳. «تأثیر زبان و ادبیات فارسی بر قاضی نذراسلام»، دکتر طارق ضیاءالرحمن سراجی و دکتر محمد نورالعالم، ۱۳۸۹.

نویسندگان مقاله، به ترتیب استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا و مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه چیتاگانگ بنگلادش، با انواع ادبی و زبان و فرهنگ بنگالی آشنایی دارند. وجه مشخصه و متفاوت این مقاله، تأکید بر تأثیرپذیری این شاعر ملی از اندیشه‌های خیام، مولوی، سعدی، حافظ و فردوسی در احیای هویت اصیل ملی و تاریخی و فرهنگی ملت خویش براساس مشترکات دو فرهنگ ایران و بنگاله است. در مقاله آمده است: «وی هنرمندی است که حلقه گمشده یک سلسله را می‌جوید و گذشته و حال را با دو زبان و دو ملت که از گذشته‌های دور با یکدیگر ارتباط داشته‌اند، پیوند می‌دهد. نذراسلام می‌کوشد تا آنچه را که به سبب دخالت و سلطه سیاسی و فرهنگی بیگانگان در حال نابودی است، بار دیگر احیا کند و مردم این سرزمین را با زبان پدران و پدربزرگان‌شان انس دهد و می‌گوید که «زبان فارسی بیگانه نیست، بلکه جزئی از فرهنگ و تاریخ و ادبیات این سرزمین و این ملت است که در حال فراموش شدن است. درواقع می‌توانیم بگوییم حافظ "حافظه ایرانیان" و قاضی نذراسلام "حافظه بنگالی‌ها" است».

نذراسلام، در ده‌ها مقاله در روزنامه‌های مختلف کلکته به ترجمه و بررسی اشعار و اندیشه‌های حافظ پرداخت و چون غریقی در اندیشه ناب حافظ، در جست‌وجوی رهیافتی برای هویت فرهنگی مردم بنگلادش بود. به همین سبب، چنان‌که حافظ را «بلبل شیراز» نامیده‌اند، بنگالی‌زبانان نیز، نذراسلام را «شاعر بلبل» خوانده‌اند.

۳-۳-۴. «معرفت‌شناسی شعر قاضی نذراسلام، شاعر ملی بنگلادش»، دکتر مریم خلیلی جهان تیغ، ۱۳۹۵.

به نظر مؤلف، قاضی نذراسلام به‌عنوان شاعری مسلمان، به زبان فارسی همچون زبان میانجی آشنایی با دین و فرهنگ اسلامی می‌نگریست و رویکرد عاشقانه او به هستی‌شناسی حافظ و خیام و نگاه ویژه آنان به زندگی، ارزش انسان در تفکر آنها، ستم‌ستیزی و رندی آنان و انتقاد از ریاورزی و زهد فروشی جایگاه خاصی دارد.

نویسنده مقاله در اشعار شاعر، مضامینی چون منقبت رسول اکرم (ص)، روحیه عمیق انتقاد از حاکمان، تقابل خیر دیروز و شر امروز و تعلیم و تعلم به مسلمانان به‌خصوص جوانان را بررسی کرده و او را با نظامی گنجوی هم‌صدا یافته است، که در مخزن الاسرار در نعت حضرت

محمد^(ص)، از زمانهٔ خود زبان به انتقاد گشوده است و از آن حضرت می‌خواهد تا بر اسب زمان بنشیند و دوباره ظهور کند و پیام جهانی اسلام راستین را در دنیای کنونی محقق سازد. چنان‌که در تمام اشعار در منقبت رسول حق نوعی، «نوستالوژی» نسبت به زمان حضرت رسول^(ص) دارد و بر آن گذشته حسرت می‌خورد. شاعر بیشتر به ویژگی‌های انسانی و روحانی حضرت پرداخته و ایشان را پیامبری مردمی، و اهل فقر و عرفان عاشقانه دانسته است.

مؤلف، کلید درک معنایی پدیده‌های جهان، نشانه‌ها و کلید واژگان آنها را حاصل نگاه شهودی شاعر تلقی کرده و اینکه این نگاه شهودی، مخاطب را نیز از هستی بنیادین پدیده‌ها آگاه می‌کند. او سرانجام در پایان مقاله نتیجه گرفته است که برای شناخت نذرالاسلام باید به معرفت‌شناسی سرزمین هند روی آورد. در این عرصهٔ معرفتی می‌توان هندو، بودایی یا سیک بود و در عزای امام حسین^(ع) شرکت کرد و به حقانیت او هم عقیده داشت. همین‌هاست که از نذرالاسلام مبارزی انقلابی و استقلال طلب، عارفی اهل مسامحه و عاشقی انسان دوست و مخلص ساخت؛ مردی که آخرین درخواست او دفن پیکرش در جوار مسجد بود.

مؤلف در این مقاله با نگاهی معرفت‌شناسی^۱ به نذرالاسلام، به بن‌مایه‌ها، درون‌مایه‌ها، جهان‌نگری، ساختارهای معنادار ذهنی، جلوه‌های آگاهی، جهان آرمانی و اعتقادی او می‌پردازد و در اشعار اسلامی او بن‌مایه‌هایی از عدالت، فقر، مرگ، توحید، عشق به انسانیت، آزادی‌خواهی، مرتبهٔ محرم، مبارزه، برابری، شهادت و ایثار را بررسی می‌کند، اما ناآشنایی با زبان بنگالی، ظرافت‌ها و لطافت‌های شعری، شگردهای بلاغی، فرهنگ و آیین هند و بنگالی بیش از این به نویسندهٔ مقاله مجال غور و بررسی ادبی نمی‌دهد و از این رو بیشتر با ساختارهای مسلط ذهنی شاعر ارتباط برقرار می‌کند.

در بررسی جریان‌شناسی آثار فارسی مربوط به قاضی نذرالاسلام، مؤلفان از زوایای مختلف به زندگی و آثار ادبی و هنری او توجه کرده‌اند، آنچه اندیشهٔ شاعر را شکل داد، برگرفته از اندیشه‌های والا و آثار ادبا و اندیشمندان مسلمان ایرانی و همچنین محیط پیرامون وی بود؛ در واقع: «باید برای مرتبهٔ بینش، دنیای شاعر، دامنه و میزان وسعت دید او ارزش و اعتبار دیگری قائل شد. همچنین در زبان و بیان و رویکرد شاعر قراین و نشانه‌هایی می‌توان سراغ گرفت که بر جهان‌بینی او دلالت داشته باشد و برساند که فی‌المثل شاعر برون‌گراست یا درون‌گرا؛ انسان محور

1. Epistemology

است یا خدامحور؛ واقع‌گراست یا آرمانگرا؛ بر روی خاک می‌زید یا در آسمان‌ها پرواز می‌کند؛ تعقل‌گراست یا شهودی و اشرافی؛ متعصب است یا متساهل؛ هم‌رنگ جماعت است یا عصیانگر؛ قوم‌پرست است یا جهان‌وطن؛ سنت‌گراست یا تازه‌جو؟» (سمیعی‌گیلانی، ص ۵۸۲).

آنچه قاضی نذراالاسلام را به‌عنوان شاعری جریان‌ساز مطرح می‌کند، درک صحیح او از ابعاد مختلف جریان‌های فرهنگ‌ساز در هویت جمعی یک جامعه است: در شرایطی که استعمار انگلیس می‌کوشید اساس هویتی مردم شبه‌قاره را تغییر دهد و درصد بدون توجه به بن‌مایه‌های تاریخی این منطقه، هویت دلخواه خویش را در جهت استثمار بیشتر شکل دهد، نوابغی با شناسایی این اهداف، درصد مقابله با آن برمی‌آیند. قاضی نذراالاسلام یکی از آن نوابغ بود که با آموزه‌های اسلامی در آن شرایط در صدد ایجاد و شکل‌دهی هویت جمعی با زبان شعر برآمد و آنگاه که او را به زندان افکندند، چنین نوشت: من شاعرم! من برای نمایاندن حقایق پنهان و به منصفه ظهور رساندن اسرار، از طرف خدا فرستاده شده‌ام. خدا در زبان شاعر لبیک می‌گوید. پیام من مظهر حق و پیام خداست. گرچه این پیام ممکن است در محاکمه حکومتی شورش علیه حکومت تلقی گردد، ولی در محکمه عدل و قسط، این پیام مخالف حق و حقیقت و عدالت نیست. شاید این پیام در پیشگاه حکومت قابل مجازات باشد، ولی در پرتو دین و در ترازوی عدل و انصاف، بی‌گناه، پاک، بی‌آلایش و فروزان است. مانع ظهور حق نمی‌توان شد. این ستاره دنباله دارد. ستم به مشعل آتش خدا مبدل شده و همه بیدادگری‌ها را به آتش خواهد کشید (شاهدی، ص ۴۲).

حال «اگر بپذیریم که زبان فارسی نخستین زبان اسلامی در جهان فرهنگی اسلام است، باید در عین حال پذیرای این نقش هم باشیم که این زبان بارها و بارها سرمشقی برای پیدایش "زبان‌های اسلامی شده" است» (فراگنر، ص ۳۰)؛ قاضی نذراالاسلام، زبان فارسی و فرهنگ عمیق اسلامی آن را به کار گرفت تا این عناصر، بذریع شکل‌گیری هویت جمعی در سرزمین بنگاله شود. او با توجه به اینکه زبان بنگالا، زبان مردم این سرزمین است و اکثر مردم این سرزمین هم از دین اسلام پیروی می‌کنند، کوشید آنچه را که به سبب دخالت و سلطه سیاسی و فرهنگی بیگانگان در حال نابودی بود، احیا کند.

از سخنان او در بیانیه «من شاعرم» چنین بر می‌آید که توانست به هویت از زاویه دید فردی و جمعی استقلالی ویژه ببخشد: «هویت در اصل امری انفعالی است. توجه به خویشن خویش در رابطه و با توجه به دیگران و از خلال آنها معنا می‌یابد. "خود بودن" یعنی دیگری نبودن و تفاوت داشتن با دیگران و در عین پیوند یا حتی آمیختگی، جدایی و برکناری را نگاه داشتن. اما اصل و جوهر هویت آدمی در چگونگی پیوند او با خداوند است» (مسکوب، ص ۲۴).

نتیجه‌گیری

ذوق ادبی قاضی نذراالاسلام، شاعر و ادیب مسلمان، نه تنها در قالب‌های گوناگون ادبی و هنری مانند شعر، داستان، نمایشنامه، ترانه، مقاله، موسیقی و تئاتر تبلور یافت، بلکه او به‌عنوان هنرپیشه، نوازنده، خواننده، روزنامه‌نگار و سرباز و حتی سیاستمداری مسلمان، در صدد بود هویت فرهنگی و تاریخی سرزمینش را بازسازی کند. آثار ادبی وی با ساختارهای گروهی اجتماعی پیوند می‌خورد و آفرینش‌های هنری وی بیانگر نوعی آگاهی جمعی است که او را به «حافظه بنگاله» تبدیل می‌کند. او انواع گونه‌های ادبی حماسی، غنایی، تعلیمی و شاخه‌های آنها، همانند اخلاقی، عرفانی، دینی، ملی و تربیتی را به کار گرفت. مقالات بررسی شده در این مقاله، هر یک گوشه‌هایی از ویژگی‌های شاعر ملی بنگلادش را نشان می‌دهند. در مجموع، چنین به نظر می‌رسد که نویسندگان غالباً به سبب نا‌آشنایی با زبان بنگالی، به جلوه‌های درون‌متنی (ادبی، زبانی، بلاغی) تمایل داشته‌اند، ولی مسلم است که این نابغه ادبی، که در ادبیات بنگالی از رابیندرانات تاگور هم پیشی می‌گیرد، نه تنها برای محققان و منتقدان ادبی غربی بلکه در فرهنگ خاور زمین نیز هنوز ناشناخته است. امید است که پژوهشگران و اندیشمندان ادبی و فرهنگی بنگالی زبان به افق‌های جدید و کاملتری از آثار قاضی نذراالاسلام دست یابند و آثار خود را نه تنها برای مخاطبان فارسی زبان، بلکه برای اندیشمندان و ادیبان سایر ملل جهان نیز ارائه دهند.

منابع

- ابوالبشر (۱)، کلتوم، «ادبیات و نفوذ زبان فارسی در بنگلادش»، مسایل زبان فارسی در هند پاکستان و بنگلادش»، مجموعه سخنرانی‌های سومین سمینار زبان فارسی (۲۸-۲۷ خرداد ۱۳۶۵)، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۲.
- _____ (۲)، زبان و ادبیات فارسی در بنگلادش، گروه زبان و ادبیات فارسی بنگلادش، داکا، ۱۳۹۳.
- برزگر کشتلی، حسین، «نذراالاسلام»، دانشنامه ادب فارسی (ادب فارسی در شبه‌قاره هند و پاکستان و بنگلادش)، به سرپرستی حسن انوشه، تهران، ۱۳۷۵.
- حسینی اسفیدواجانی، سید مهدی، «تأثیر زبان و ادب فارسی بر شاعر ملی بنگلادش»، ماهنامه پژوهشی اطلاعات حکمت و معرفت، ش ۱۰، تهران، ۱۳۸۶.

- خلیلی جهانتیغ، مریم، «معرفت شناسی شعر قاضی نذراالاسلام، شاعر ملی بنگلادش»، همایش بین‌المللی بزرگداشت ابوریحان بیرونی، دانشگاه داکا، ۲۰۱۴م.
- زرقانی، سید مهدی، تاریخ ادبی ایران و قلمرو زبان فارسی، سخن، تهران، ۱۳۸۸.
- سراجی، طارق و محمد نورالعالم، «تأثیر زبان و ادبیات فارسی بر قاضی نذراالاسلام»، مجموعه مقالات نهمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی، بجنورد، ۱۳۹۳.
- سمیعی گیلانی، احمد، «سبک» دانشنامه زبان و ادب فارسی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۸۸.
- شاهدی، محمدعبسی و کلثوم ابوالبشر، گزیده احوال و آثار قاضی نذراالاسلام، به کوشش علی اورسجی، رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، داکا، ۱۳۷۴.
- شمیم بانو (۱)، «ترجمه رباعیات عمر خیام و قاضی نذراالاسلام»، هفتمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۱.
- _____ (۲)، «بررسی کلمات فارسی و عربی در شعر نذراالاسلام از دیدگاه زبان شناسی»، مجله فارسی و اردو، دانشگاه داکا، ش ۳، ۲۰۰۶م.
- عارفین، شهناز، قاضی نذراالاسلام: نفوذ شعر و ادب پارسی در بنگلادش، بایا، تهران، ۱۳۹۴.
- فتوحی، محمود، «جایگاه زبان و ادبیات فارسی در بنگلادش و راه‌های ارتقای آن»، نامه پارسی، ش ۴۰، ۱۳۸۵.
- فراگنر، رابرت، فارسی زبانی - قلمرو، هویت و رابطه زبانی تاریخ آسیا، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۹۴.
- کهدویی، محمد کاظم، «حافظ شیرازی و قاضی نذراالاسلام بنگالی»، چشم‌انداز، ش ۱۰، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، تهران، ۱۳۷۶.
- محمد بیگی، شاهرخ و مهدی حسن، «عشق به اهل بیت^(ع) در نغمات قاضی نذراالاسلام، نویسنده و شاعر بنگالی»، دو فصلنامه ادبیات دینی، ش ۶، ۱۳۹۳.
- مسکوب، شاهرخ، هویت ایرانی و زبان فارسی. فرزانه روز، تهران، ۱۳۷۸.
- مهدی، حسن، «نعت رسول^(ص) در نغمات قاضی نذراالاسلام»، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه داکا، ۲۰۰۹م.